

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

نوآوری‌های سبکی و بیانی در شعر  
حسین منزوی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

استاد راهنما:

دکتر عبدالناصر نظریانی

۱۳۸۹/۴/۸

پس از اطلاع‌رسانی به مرکز علمی پژوهش  
توسط مرکز

نگارش:

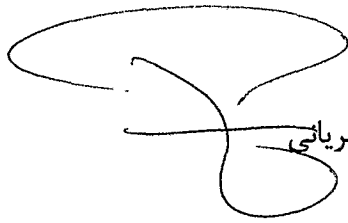
محمد عابدینی

زمستان ۱۳۸۷

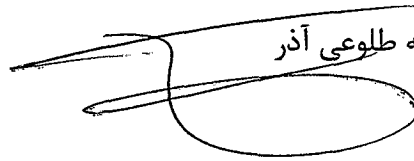
بسمه تعالی

پایان نامه آقای «محمد عابدینی» با عنوان «نوآوری‌های سبکی و بیانی در شعر حسین

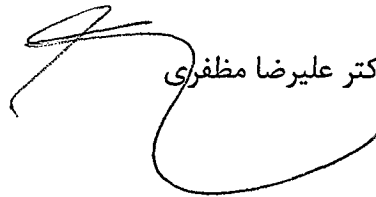
منزوی»، به شماره ۱۶۵ - ۲ الف، در تاریخ ۸۷/۱۲/۵ با رتبه عالی و نمره ۱۸۷ / (مجدد) مورد پذیرش هیأت محترم داوران قرار گرفت.



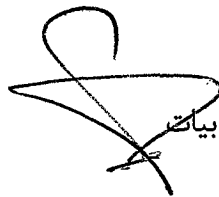
۱- استاد راهنما و رئیس هیأت داوران: دکتر عبدالناصر نظریانی



۲- داور خارجی: دکتر عبدالله طلوعی آذر



۳- داور داخلی: دکتر علیرضا مظفری



۴- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر مسعود بیات

(حق طبع و نشر محتوای پایان نامه برای دانشگاه ارومیه محفوظ است.)

تقدیم به

همسر

که رسم فداکاری را خوب می داند

و

گل باغ زندگانی ام

آراز

و

روح همیشه عاشق

حسین منزوی

و

تمام هنرمندانی که

نوآوری سنت آن ها است.

## تقدیر و تشکر:

... و اما پس از این همه سال سنگی اما رنگی، خدای را سپاسگزارم که به برکت لطف بی کرانش هنوز نفس می-کشم و امید و شکر را می‌شناسم.

در نفس‌گیرترین لحظه‌های این سال‌ها میزبان مهربانی و کرامت استادانی بودم که خلف‌ترین میراث‌دار پیامبران بودند و این قلم با تکیه بر آن‌ها برخاست و به مددشان راه افتاد. در این راه از استاد فرزانه‌ام دکتر عبدالناصر نظریانی سپاسگزارم که طفلانگی‌ها و سراسیمگی‌هایم را تحمل کرد و مرا به مهر و ارشاد نواخت. همچنین تمام استادانم در دوره-های کارشناسی و کارشناسی ارشد به خصوص آقایان دکتر مظفری، دکتر طلوعی‌آذر و دکتر مشتاق مهر که تا همیشه‌ی بعد از این وامدار نفس آسمانی‌شان هستم.

و نیز دوست محقق و شاعرم آقای حمید واحدی که منت‌دار دستگیری‌ها و الطاف بی‌شمارشان هستم. دیگر این که در این باغ تا هست مشام جانم مست گل‌هایی بهشتی است که از چارسوی صفا و صمیمیت مرا دربرگرفته‌اند. گل‌هایی که ذکر نامشان پاسداشت بهاران است. آقایان: ابراهیم اندرخورد، صابر معصومی، علی شام‌روشن، جواد ویسی، محمد بامدادی، علی دلایی میلان، موسی هوشیار و خانم‌ها: عبودی، اسدی، محمدیان، منفردان، پیرخضری، امینی و بگانه، که خدایشان تا بی‌نهایت بی‌خزان بدارد.

## چکیده :

بنابر اعتقاد بسیاری از منتقدان و اهالی شعر و ادب امروز ایران، حسین منزوی در عرصه ی غزل نو صاحب نوآوری های ارزشمندی است که باعث برجسته تر شدن غزل های او در میان غزل های معاصرانش شده است

این پایان نامه- هر چند با قلمی کند و لنگان - به بررسی بعضی از نوآوری های او پرداخته است که به

صورت کلی عبارتند از :

۱- در حیطه ی زبان :

الف: استفاده از لغات معمول در زبان روزمره و نزدیک کردن آن به زبان محاوره با حفظ شاعرانگی فضای شعر

ب: ایجاد صور خیال نو با استفاده از همین لغات و افعال نزدیک به نرم گفتار امروزی

۲- پرداختن به مضامین زنده و تجربیات شخصی و لمس شده توسط خود شاعر

۳- خلق و ابداع وزن های عروضی جدید و نیز احیای بعضی وزن های کم کاربرد و مسکوت سنتی که مورد

استقبال و اقبال قرار گرفته است .

واژگان کلیدی: نوآوری- سنت- سبک- زبان- خیال- موسیقی

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
تعریف مسأله .....	۱
زندگی و آثار منزوی .....	۳
زندگی .....	۳
آثار .....	۶
فصل اول : کلیات .....	۱۰
۱- نوآوری در هنر و ادبیات .....	۱۰
۲- سبک و رابطه ی آن با بیان .....	۱۵
۳- سابقه دانش سبک شناسی در ایران .....	۱۶
۳-۱- سبک خراسانی .....	۱۸
۳-۳- برخی مختصات سبک عراقی .....	۱۹
۳-۲- برخی مختصات سبک هندی .....	۲۱
۳-۴- نهضت بازگشت ادبی .....	۲۲
۳-۵- رابطه ی بیان با سبک شناسی .....	۲۵
فصل دوم : در حال و هوای نیما .....	۲۷
۱- نیما و اندیشه های نیمایی .....	۲۷
۲- تاثیر نیما بر غزلسرایان معاصر .....	۳۶
۳- تاثیر نیما و اندیشه های وی بر منزوی .....	۴۰
فصل سوم : مختصری در سیر غزل فارسی .....	۴۷
منزوی و حافظ .....	۵۶

۵۹	فصل چهارم .....
۵۹	نوآوری های منزوی در حوزه ی زبان .....
۵۹	۱- درآمد .....
۶۰	۲- ویژگی های غزل نو .....
۶۳	۳- نوآوری های منزوی در حوزه ی زبان .....
۸۵	فصل پنجم : نوآوری های منزوی در حوزه ی خیال .....
۸۵	در آمد .....
۸۹	تشبیه و جایگاه آن در شعر منزوی .....
۹۵	حس آمیزی در تشبیه .....
۹۶	استعاره .....
۹۹	تشخیص .....
۱۰۲	کنایه .....
۱۰۳	عاطفه در شعر منزوی .....
۱۰۶	فصل ششم : نوآوری های منزوی در حوزه ی موسیقی .....
۱۰۶	درآمد .....
۱۰۸	اوزان ابتکاری .....
۱۱۲	قافیه .....
۱۱۷	تکرار .....
۱۱۹	ردیف .....
۱۲۲	پیشنهاد برای تحقیقات آتی .....
۱۲۳	نتیجه گیری .....
۱۲۴	منابع و مأخذ .....



در وادی ادبیات سال های چندی است که جدال بر سر کهنه و نو ذهن شاعران و شعر دوستان را مشغول کرده است. عده ای معتقدند که باید به سنت های ادبی پایبند بود و حتی کوچک ترین انحراف از مسیر این سنت ها را جایز نمی شمارند و معیار درستی و نادرستی اثر ادبی را پایبندی به سنت ها و یا انحراف از آن ها می دانند و در مقابل این گروه، گروه دیگری عقیده دارند که باید به کلی سنت های ادبی را کنار بگذاریم و همراه با مسائل روزگار حاضر پیش برویم. اینان هر کاری را که به نوعی بدعت باشد می ستایند هر چند که به ذایقه ها خوش نیاید و هر وابستگی هر چند اندک به گذشته ی ادب فارسی را سرزنش می کنند. گروهی از این سوی بام می افتند و گروهی دیگر از آن سو.

به نظر نگارنده هر دو گروه به بیراهه می روند زیرا هیچ سنتی بدون نوآوری و با درجا زدن و تقلید و تکرار پایدار نمی ماند و هیچ ابداعی نیز بدون اتکا به گذشته و بدون ریشه نمی تواند پا برجا بماند. حسین منزوی جزء شاعرانی است که در عین پایبندی به سنت های زیبای فارسی، دست به نوآوری های پسندیده ای در حیطه ی زبان، صور خیال و موسیقی اشعار- به ویژه غزل هایش- زده است که از این نظر از سرآمدان شعرای نوگرای معاصر محسوب می شود و به طور یقین می توان ادعا کرد که «بالندگی غزل امروز وامدار منزوی است.»<sup>۱</sup>

سطور پیش رو هر چند ناقص و دست و پا شکسته قصد دارد به تبیین زیبایی ها و نوآوری های این شاعر گرانقدر در زمینه هایی که بیشتر شاهد نوآوری های او هستیم پردازد که به هر کدام تا حد وسع پرداخته خواهد شد. امید که لغزشهای این نوپا به دیده ی اغماض نگریسته شود.

### تعریف مسأله:

هر شاعری تا زمانی که در آفرینش های ادبی خود پا از مرحله ی تقلید صرف بیرون ننهاده باشد وارد قلمرو موفقیت و در نتیجه مقبولیت نخواهد شد. و هنرش ارزش و برجستگی نخواهد یافت. برای رسیدن به

<sup>۱</sup> با عشق تاب می آورم، حسین منزوی، چی چی کا، چاپ دوم، بند عباس، ۱۳۸۵، ص ۶

این هدف شاعر شگردها، تکنیک ها و اصولی را به کار می گیرد که اولاً از نرم عادی متمایز است و ثانیاً ظرفیت لازم و کافی برای قبول نوآوری و هنروری شاعر را دارد. حسین منزوی یکی از شاعران موفق معاصر است که مخصوصاً در قالب غزل نوآوری های ارزشمندی دارد. ما در این تحقیق برانیم تا تازگی های سبکی و بیانی شعر منزوی را از لحاظ زبانی، صور خیال و موسیقایی مورد بررسی قرار دهیم. نوآوری های او را در موارد ذکر شده مشخص کنیم و نشان دهیم که آیا حسین منزوی توانسته است به سبک خاص که متمایز از دیگر شاعران باشد دست یابد یا نه .

## زندگی و آثار حسین منزوی

زندگی :

حسین منزوی فرزند محمد منزوی شاعر زنجان است<sup>۱</sup> که در اول مهر ۱۳۲۵ در شهر زنجان دیده به جهان گشود و به خاطر اینکه با شروع پاییز زاده شده بود، همیشه خود را همزاد پاییز می نامید. وی در زادگاه خود نشو و نما یافت و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را نیز در همان شهر به انجام رسانید.<sup>۲</sup>

مادرش با وجود اینکه سواد چندانی نداشت، هنر عجیبی در قصه گوئی داشت. داستان امیر ارسلان و قصه های عامیانه ی دیگر او از کودکی همدم منزوی بود. از آنجا که در جا به جای اکثر این قصه های عامیانه و افسانه های محلی تک بیت هایی نیز وجود داشته، روح کودکانه منزوی نیز با شعر و قصه مأنوس شد. بنابر این تأثیری که او از مادرش پذیرفت به مراتب از تأثیر گذاری پدرش عمیق تر و ریشه دارتر بود. درست است که پدرش، محمد منزوی، خود شاعری بزرگ بود و به خصوص در شعر ترکی دستی داشت، اما حسین در دوازده سالگی برای اولین بار با شعر او آشنا شد.

محمد منزوی علاوه بر اینکه در سرودن شعر کلاسیک شاعری قوی بود، در زمانی که شعر نو در ایران گناه محسوب می شد، او از طرفداران سر سخت شعر نو و نیمایی به شمار می رفت و به این خاطر حسین نیز از کودکی تصویر نیما را بر در و دیوار خانه ی خودشان دیده است.

«حسین پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان صدر جهان زنجان، در رشته ی ادبیات فارسی دانشگاه تهران پذیرفته شد - سال ۱۳۴۴- در آن زمان تخلص «رها» را برای خود انتخاب کرد و در سرودن اشعار بین اقران خویش ممتاز گشت»<sup>۳</sup>. او به سرعت توانست خود را در محافل ادبی تهران مطرح کند تا آنجا که مرحوم «مهدی سهیلی» که در سال ۱۳۴۵ برنامه ای را با نام «کاروان شعر و موسیقی» در رادیو اجرا می کرد، در یکی از برنامه هایش او را دعوت کرد، اتفاقاً در

<sup>۱</sup> غزل های شاعران امروز شفق، مجید، انتشارات سنایی چاپ اول، تهران ۱۳۷۷، ص ۸۳۷

<sup>۲</sup> سخنوران نامی معاصر ایران، سید محمد باقر برقی، نشر خرم ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۳۸

<sup>۳</sup> سخنوران و خطاطان زنجان، نیرومند، کریم، موسسه مطبوعاتی زعفری، زنجان ۱۳۴۷، ص ۱۴۰

همان برنامه آقای دکتر باستانی پاریزی که استاد حسین هم بود، از او تعریف و تمجید کرد. ناگفته نماند که رابطه ی دوستانه آن ها تا آخر نیز همچنان پایدار ماند.

منزوی رشته زبان و ادبیات فارسی را رها کرد و به رشته جامعه شناسی روی آورد و پس از مدتی به علت مشکلات روحی تحصیلات خود را ناتمام گذاشت و به زادگاه خویش برگشت<sup>۱</sup>؛ اما بعدها یعنی سال ۱۳۵۸ واحدهای باقی مانده ی رشته ادبیات فارسی را گذراند و لیسانس گرفت. در این ایام «مهدی اخوان ثالث» نیز یکی از استادان او بود.<sup>۲</sup>

حسین به خاطر شرایط خاص روحی خود هرگز نتوانست شغل ثابتی پیدا کند. او مدتی مسئول صفحه ی شعری مجله ی رودکی شد و بعد از آن هفته ای دو روز در رادیو مجری برنامه ای به نام یک شعر و یک شاعر بود که هر بار شعری از شاعران بزرگ را می خواند و نقد و تحلیل می کرد. علاوه بر آن هفته ای یک بار نیز در شبکه ی دوم سیما برنامه ی گروه ادب امروز را اجرا می کرد که تحت سرپرستی مرحوم نادر نادرپور بود. بعد از آن مدتی، نیز برای مجله ی تماشا که وابسته به تلویزیون بود مقاله می نوشت و گاهی نیز برای کسب درآمد، به ترانه سرایی می پرداخت و در اوایل انقلاب نیز به خاطر جو خاص به وجود آمده مدتی بیکار ماند.

بعد از انقلاب، حسین مدتی مسئول صفحه ی شعر مجله ی سروش بود که مرحوم پرویز خرسند سردبیر آن بود. پس از برکناری خرسند، حسین نیز از سمت خود کنار گذاشته شد. بعد از آن یک دوره ی کوتاه نیز در فرهنگسرای نیاوران مشغول به کار شد و مدتی نیز در کتابخانه ی حسینیه ی ارشاد کار می کرد.

حسین در حوالی سال ۱۳۶۳ در تهران به صورت خصوصی تدریس می کرد و بعد از مدتی نیز با مرحوم مهدی اخوان ثالث در انتشارات انقلاب اسلامی (فرانکلین سابق) که موسوی گرمارودی رئیس آن بود، سه عنوان ویراستار مشغول به کار بود، اما بعد از آن دیگر هیچ کار خاصی پیدا نکرد.

حسین در سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد اما این ازدواج او دیری نپایید و در سال ۱۳۶۰ از همسرش جدا شد. ثمره ی ازدواج او دختری است به نام غزل.

<sup>۱</sup> نقل به مضمون؛ روزنامه اطلاعات، پنج شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۳، شماره ۲۳۰۴۶

<sup>۲</sup> ر. ک: باغ بی برگی، مرتضی کاخی، یادنامه ی اخوان ثالث، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰، ص ۲۸۴

منزوی بعد از متارکه ی همسرش هرگز به طور جدی به فکر ازدواج نیفتاد مگر در سال های پایانی عمر خود که آن هم به خاطر اتفاقاتی چون بیماری و فوت پدر بی نتیجه ماند.

حسین سخت دلپسته ی پدر و مادر بود و همیشه در کنار آنها زندگی کرد و مخصوصاً در اواخر عمرش که با بیماری پدرش مواجه شد، در طول بیماری او - که یک سال و نیم به طول انجامید و منجر به مرگ او در سوم اسفند ۱۳۸۲ شد - اغلب اوقاتش صرف پرستاری از پدر می شد و حتی گاهی هم که به خاطر شرکت در محافل ادبی به تهران یا شهرهای دیگر مسافرت می کرد، بیش از یک شب در آنجا نمی ماند.

منزوی آن چنان که از اشعارش نیز بر می آید، همیشه عاشق بود و عشق قوی ترین عنصری است که محرک و عامل اصلی سرودن اغلب اشعار اوست. هرگاه که فترتی در جریان عاشقی او پیدا شده تأثیر مستقیمی نیز در شعرش گذاشته است.

عامل مهم دیگری که به شدت در روحیه و شعر منزوی تأثیر گذاشت مرگ برادر کوچک تر از خودش، حسن منزوی بود.

هر چند منزوی اهل مسافرت نبود اما به خاطر شرکت در محافل ادبی به ناچار به بسیاری از شهرهای ایران مسافرت می کرد.

سرانجام منزوی در شانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۸۳ یعنی در ۵۸ سالگی بر اثر نارسائی قلبی و ریوی پس از یک عمل جراحی طولانی در بیمارستان شهید رجایی تهران در گذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> در این قسمت از نقل و قول های برادر حسین منزوی (بهروز منزوی) استفاده شده است و نیز سایت های:

## آثار حسین منزوی:

(۱) حنجره ی زخمی تغزل: «نخستین مجموعه ی شعرمنزوی است که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد و برنده ی جایزه ی ادبی فروغ فرخزاد گردید. این مجموعه در سال ۱۳۸۲ توسط انتشارات آفرینش تجدید چاپ شده است. به نظر خود شاعر تغزل هنوز هم جان شعر اوست، هر نیش و نوش و شوکران و شکری را از صافی آن می گذراند و عشق را هویت اصلی شعر خود می داند و به عشق آفرین می گوید که مهر درخشان اش را بر جبین شعر و زندگی اش کوبیده است. این مجموعه دارای دو بخش یا دو دفتر است: دفتر غزلها و دفترهای شعر آزاد که یک مثنوی و چند رباعی و دوبیتی در میانشان بر خورده است که در چاپ جدید دفتر دیگر که شامل چند غزل، یک دوبیتی پیوسته، چند شعر آزاد و یک شعر بی وزن و بالاخره چند رباعی و دوبیتی و ترکیب بند ماندی با عنوان «دلخواه» افزوده شد تا حنجره زخمی تغزل با شکل و شمایل جدید و هویت نه چندان دست خورده خود را در میان مجموعه های شعر نشان داد.

(۲) صفر خان: یک شعر بلند نیمایی است که در سال ۱۳۵۸ انتشارات چکیده منتشر کرده بود و اینک توسط موسسه فرهنگی، هنری یکتا رصد زنجان تجدید چاپ گردید. این منظومه بلند نیمایی را شاعر به روح آزادبخواه یکی از قهرمانان تاریخ معاصر (صفر قهرمانیان) و همچنین برادر خود پیشکش کرده است، زیرا «گرامی داشتن یار عزیز «صفر خان» که هم چنان اسطوره پیروزی در شکست این سرزمین و این مردم است» برای شاعر ارزشمند و گرانبهاست.

(۳) ترجمه ی منظومه ی حیدر بابا: این اثر که ترجمه ی منظومه حید بابای شهریار در قالب شعر نیمایی از زبان ترکی به فارسی است توسط انتشارات آفرینش در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید. منزوی در ترجمه ی این منظومه هنرمندی خاصی از خود نشان داده، در واقع می توان گفت بهترین و شاعرانه ترین ترجمه ای است که از این منظومه چاپ شده است، زیرا همزبانی منزوی با زبان حیدر بابا یکی از نکته های قابل توجه این ترجمه است.

(۴) با عشق در حوالی فاجعه: مجموعه غزل است که شاعر با سلیقه‌ی خود برای هر غزل نامی برگزیده، برخلاف سایر مجموعه‌ها که غزل‌هایش را شماره‌گذاری کرده است، این مجموعه که در حدود صد غزل دارد یکی از بهترین و قوی‌ترین مجموعه‌های منزوی است. افق تماشایی شاعر از عشق بسی فراخ است و تأثیر عشق و بازتاب‌های آن بسی چشم‌گیرتر نسبت به مجموعه‌های دیگر.

(۵) این ترک پارسی‌گوی: کتابی است در تحلیل و بررسی شعر شهریار که در سال ۱۳۷۲ به همت انتشارات برگ چاپ شده است. منزوی در این کتاب از شهریار به عنوان شاعر شیدایی و شیوایی یاد می‌کند و شعر او را با عناوین مختلف از قبیل: تذکره‌ی احوال، شعر شهریار، غزل شهریار، مکتب شهریار، هذیان دل و حیدربابا، مثنوی افسانه‌شب، شعرهای آزاد شهریار و ... با قلم شیوای خود نقد و بررسی می‌کند و خود را یکی از دوستان شعر شهریار می‌داند و می‌گوید: «دفتر شهریار، همیشه برای تسخیر دل مشتاق من، طرفه‌هایی در آستین داشته است»

(۶) از شوکران و شکر: این مجموعه را که شاعر «به حضور مسلط همیشه‌ی عشق و غم‌ها و شادی‌های بزرگش» تقدیم کرده شامل صد و چهل و پنج غزل است که انتشارات آفرینش در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسانده است. غزل‌های این مجموعه از گونه‌ای دیگر است و با غزلیات تکراری و آن‌چنانی هیچ تناسبی ندارد، زیرا تعبیرهای نو و بکر، انتخاب وزن‌های مناسب با مفاهیم و تداوم اندیشه و حضور مسلط همیشه عشق به این مجموعه، لطفی دیگر بخشیده است، هر چند این ویژگی‌ها در مجموعه‌های دیگر نیز به چشم می‌خورد.

(۷) با سیاوش از آتش: عنوان این مجموعه که برگرفته از داستان سیاوش است برای شاعر بس عزیز است، زیرا خون سیاوش و مظلومیت او نه تنها در این مجموعه بلکه در سایر اشعار نیز برایش مهم است و بارها از مظلومیت سیاوش سخن گفته و به لحاظ اهمیت این موضوع نام این مجموعه را «با سیاوش از آتش» برگزیده است. این مجموعه را که برگزیده‌ی غزل‌ها است، در انتشارات پاژنگ در سال ۱۳۷۴ منتشر کرد و سیصد و سی و چهار غزل از کتاب‌های حنجره‌ی زخمی تغزل، از شوکران و شکر، با عشق در حوالی فاجعه و از کهربا و کافور انتخاب شده است.

۸) از کهربا و کافور: این مجموعه که به «کهربای سیمای پدر و کافور گیسوان مادرش» پیشکش شده، شامل دو بخش است که بخش اول صد و پنچ غزل و بخش دوم شصت و یک غزل دارد. این مجموعه در سال ۱۳۷۷ در انتشارات کتاب زمان منتشر شده است. شور و عشق همچون مجموعه‌های دیگر در این مجموعه نیز موج می‌زند و از نسیم عشق که از آفاق شهابی می‌آید و از کران‌های بلند آفتابی می‌خواهد در کنارش بنشیند تا غبار از دل فرو شوید.

۹) با عشق تاب می‌آورم: مجموعه اشعار نیمایی است از سال (۱۳۵۱-۱۳۷۸) که بهار ۱۳۷۹ در بندرعباس توسط انتشارات چی چی کا منتشر شده است. این مجموعه شامل ۴۴ قطعه شعر نیمایی است که خود شاعر برای هر قطعه عنوان خاصی تعیین کرده است.

۱۰) به همین سادگی: مجموعه شعرهای سپید است از سال (۱۳۴۸-۱۳۷۸) که در بهار ۱۳۷۹ در انتشارات چی چی کا بندرعباس منتشر شده است. این مجموعه نیز شامل ۵۰ قطعه شعر سپید است با عناوین گوناگونی از قبیل: کشیده قامت من، آفتاب، دریغا، بازدید، دیدار، چاووش و ...

۱۱) از ترمه و تغزل: این مجموعه برگزیده ای است از: حنجره ی زخمی تغزل، با عشق تاب می‌آورم، از شوکران و شکر، با عشق در حوالی فاجعه، همچنان از عشق، از کهربا و کافور و تیغ و ترمه کسه به غزل غزلهایش، غزل منزوی (دخترش) پیشکش شده است. این مجموعه در بهمن ۱۳۷۶ در انتشارات روز بهان منتشر شد.

۱۲) از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها: این مجموعه را که شاعر به «شهر و دیارش آباد یا خراب همشری‌ها و همدیارانش بی‌مهر یا مهربان» پیشکش می‌کند، در دو دفتر که دفتر اول مجموعه غزل‌ها است و دفتر دوم چند مثنوی در سال ۱۳۸۱ در انتشارات مهدیس منتشر شد. البته این مجموعه یک مقدمه و پیش‌درآمدی نیز دارد که شاعر در مقدمه اش می‌گوید: «برخی شعرهای این دفتر بسوی جوانی و خامی دارند (با تمام عیب و حسن‌هایی که خاص خامی و جوانی‌اند) تعجب نکنید و به یاد آورید که این شعرها گام‌های نخستین این شاعر در طریق سرودن بوده‌اند و حرمت و عزت آن‌ها دقیقاً به همین «نخستین» بودن هایشان باز می‌گردد. و در پیش‌درآمد نیز که از زادگاهش (زنجان) با او



مهربان نبوده و بی مهری ها از دیار مادر دیده و چشیده اعتراف می کند، اما با همه این ها این مجموعه را به زادگاهش<sup>۱</sup> و هرچه زادگاهی است تقدیم می دارد.»<sup>۱</sup>

۱۳) دیدار در متن یک شعر: مجموعه ای از نقد و نظرهای حسین منزوی در مورد سسی و شش شعر از شاعران معاصر است که در سال ۱۳۸۴ به همت انتشارات آفرینش در ۳۸۴ صفحه چاپ شده است.

۱۴) تیغ و ترمه و تغزل: مجموعه‌ای است شامل غزل‌ها، چند رباعی، یک دوبیتی و یک چهارپاره که بیشترشان در مجموعه‌های دیگر منزوی آمده‌اند و ناشر و نمونه خوان این اشعار تنها به بهانه‌ی بعضی تغییرات جزئی، آن هم در بعضی اشعار و چند شعر چاپ نشده مجموعه‌ای جدید ترتیب داده‌اند. این مجموعه را انتشارات آفرینش در سال ۱۳۸۵ چاپ کرده است.

۱۵) تیغ زنگ زده: شامل هجده قصه از افسانه‌های آذربایجان است که منزوی به فارسی برگردانده است.

---

<sup>۱</sup> آواز جویباران، احمد رضائی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، فروردین ۱۳۸۳، صص ۸۹-۹۱

# فصل اول

## کلیات

### نوآوری در هنر و ادبیات

«نوآوری» در ادبیات مفهومی است که در مقابل سنت و پیروی از اصول و قوانین آن آورده می شود. بنابر این

برای درک بهتر و روشن آن، قبل از هر چیز باید شناختی دقیق از «سنت» به دست آورد.

«لغت نامه ی دهخدا» در توضیح واژه ی سنت چنین آورده است: «راه و روش، طریقه، قانون، آیین، رسم،

نهاد، فرض، فرضیه، واجب، لازم، دستور، قانون گذاری، عادت، سیرت، روی و رخساره پیشانی و ...»<sup>۱</sup>

کلمه ی «سنت» پیش از هر چیزی در ساحت دین مطرح شده است. بنابراین قبل از بررسی مفهوم سنت در هنر

و ادبیات به بررسی آن، در کتب دینی و آموزه های آن می پردازیم.

طبق بررسی و پژوهش مفسران و پژوهشگران علوم دینی و قرآنی، این کلمه به صورت مفرد و جمع شانزده

بار در قرآن کریم به کار رفته است. به عنوان نمونه در آیه ی ۶۲ سوره ی احزاب آمده: «وَلَنْ تَجِدَ لِسِنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» که

هم در این آیه و هم آیات دیگری که این کلمه یا جمع آن در آن ها آمده است، بر تغییرناپذیری سنت های الهی تاکید

---

<sup>۱</sup> لغت نامه ی علی اکبر دهخدا، علامه دهخدا، ج ۳۲، سازمان لغت نامه، تهران، ۱۳۴۵، صص ۶۴۶-۶۴۷

شده است. اما گاهی بعضی تغییرات و دگرگونی‌ها را در سنت روا می‌دارند مثل آنچه که شیخ ابوالفتح رازی نوشته است: «نسخ کتاب به کتاب، نسخ کتاب به سنت و نسخ سنت به سنت»<sup>۱</sup>

در تفسیر گرانقدر «المیزان»، مرحوم علامه طباطبائی در توضیح همین آیه ی ذکر شده چنین می‌نویسند: «کلمه سنت به معنای طریقه ی معمول و رایج است، که به مطیع خود غالباً یا دائماً جاری باشد»<sup>۲</sup>

هم ایشان در جایی دیگر در تفسیر و شرح سنت الهی می‌نویسند: «بعضی از سنت‌های الهی بر بعضی دیگر از سنت‌ها حاکمند. مثلاً سنت امتحان بر سنت رزق حاکم است و خداوند گاهی سنت‌هایش را تغییر می‌دهد و گاهی از یک سنت چشم می‌پوشد و سنت دیگر را به کار می‌گیرد»<sup>۳</sup>

معنا و مفهوم سنت و نوآوری در ادبیات متأثر از معنا و مفهوم آنها در آموزه‌های دینی است؛ اما به اقتضای فضایی که در آن به کار گرفته می‌شوند، تفاوت‌هایی در معنا و مفهوم‌شان ایجاد شده است. مسلم این است که بدون سنت‌ها و بی‌ارتباط با آن‌ها، نه تنها امکان نوآوری نخواهد بود، بلکه تفکر و بحث نیز در این زمینه ممکن نیست و تنها در صورتی مفهوم و معنای آن‌ها روشن خواهد شد که در کنار هم تعریف و تبیین شوند.

آفریده‌های هنری موفق آثاری هستند که به گونه‌ای از آثار پیشین تأثیر پذیرفته‌اند و بر آثار بعد از خود تأثیر گذار بوده‌اند و ماندگاری آفریده‌های هنری همان اندازه که وامدار خصوصیات منحصر به فرد آن آثار است به ویژگی‌هایی که از سنت گرفته‌اند نیز بستگی دارد. اثری که به وجود می‌آید باید حامل شناسنامه‌ی تاریخی و روند تکاملی آن اثر نیز باشد تا بتواند جواز حضور در صحنه‌های آینده‌ی آن هنر را پیدا کند. نمونه بارز این امر را در آفرینندگان بزرگ ادبیات دیروز و امروز خود می‌بینیم. کسانی مثل حافظ که بر بلندای غزل ایستاده‌اند با تکیه بر سنت غنی شعر فارسی و عربی و فرهنگ اسلامی و ایرانی توانسته‌اند بر قله مرتفع ادبیات صعود کنند؛ یا در دوره‌ی معاصر شاعری که آینده‌ی این صفحات متعلق به اوست با تکیه بر سنت شاعران بزرگی مثل حافظ و سعدی و نیما توانسته

<sup>۱</sup> تفسیر شیخ ابوالفتح رازی، با تصحیح و حواشی میرزا ابوالحسن شعرانی، به تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۲۵۳۶،

ص ۲۸۴

<sup>۲</sup> تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، چاپ دوم، نشر بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی، با همکاری

نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۶، ص ۵۲۳

<sup>۳</sup> همان، ج ۱۸، ص ۸۸

است صفحات متعددی از ادبیات امروز ایران را به خود اختصاص دهد و در ذهن و قلم شاعران دوره ی خود رسوخ کند، به نحوی که اغلب خود بدان معترفند.

شارل بودلر یکی از پیشگامان مدرنیسم می گوید: «مدرنیته نیمی از هنر است. نیمه ی دیگر جاودانه است و دگرگونی ناپذیر»<sup>۱</sup>

بر همین اساس است که وقتی اشعار نوآورترین شاعر معاصر ایران - نیما - را مطالعه می کنیم، تسلط و احاطه ی او را بر کل سیر تاریخی شعر این سرزمین از قرن چهارم تا امروز در تمامی سبک های مطرح شعر فارسی می- بینیم.<sup>۲</sup>

«گذشته و آینده یکدیگر را روشن می کنند و می سازند. تاریخ شعر در هر اثر شاعر زنده است. توانایی شاعر در استفاده از میراث، خود نشانه ی اصالت اوست. اصالتی که با تقلید متفاوت است».<sup>۳</sup>

آثار هنری نتیجه ی برخورد نوآوری و سنت هستند؛ نه سنت گرایی یا نوگرایی صرف. تکامل و پیشرفت هنر نیز محصول تأثیر و تأثر دو سویه ی همین سنت و نوآوری است. بروز سنت ها در اثر هنری در عین اینکه از فردیت هنرمند می کاهند، همین فردیت را نیز می نمایانند. چون فردیت در طرز برخوردش با سنتها بروز می کند. در این برخورد است که خواه ناخواه هم سنت ها دگرگون می شوند و هم فردیت هنرمند شکل می گیرد و تأثیر می پذیرد.

اما در تأثیر پذیری و پیروی از سنت چیزی که مهم است اینکه: «سنت تمام نسل های مرده بر مغزهای تمام زندگان سنگینی می کند»<sup>۴</sup>. هنرمند باید بداند که از سنت چه چیزی را انتخاب کند و چه چیز نمی تواند در خلدت ادبیات و هنر او قرار گیرد.

<sup>۱</sup> مدرنیته و اندیشه های اعتقادی، شارل بودلر، نقل از سنت و نوآوری در شعر معاصر، قیصر امین پور، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، تهران،

۱۳۸۴، ص ۱۱

<sup>۲</sup> برای آشنایی با نمونه اشعار به مجموعه ی کامل اشعار نیما با تدوین سیروس ضابطی، سوره

<sup>۳</sup> سنت و نوآوری در شعر معاصر، ص ۵۸

<sup>۴</sup> فلسفه ی تاریخ هنر، آرنولد هاورز، ترجمه ی محمد تقی فرامرزی، ج اول، تهران، نگاه، ۱۳۶۳، ص ۴۷